

بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران به مناسبت روز دانشجو

امروز روز دانشجوست؛ روزی که یادآور یک تاریخ، رنج ما ستمدیدگانی است که اینک در کسوت دانشجو در کنار یکدیگر قرار گرفته ایم. یک تاریخ، رنج‌مان و صدا البته یک تاریخ مبارزه‌ی مان - مبارزه‌ی علیه ستمگران داخلی و هم‌تایان خارجی‌شان. امروز روز دانشجوست؛ روزی که یادآور کشتار بی‌شرمانه دانشجویانی است که در برابر کودتای آمریکا برای حفظ دستگاه بیدادگر سلطنت، ایستادگی کردند.

امروز در وضعیتی به سر می‌بریم که شرایط و امکان ورود به دانشگاه برای قشر وسیعی از جامعه، فرودستان و زحمت‌کشان، با موانع روزافزون معیشتی و مالی مواجه می‌شود. امروزه نه تنها دسترسی به آموزش مناسب در مدارس، تنها برای عده هرچه کمتری از افراد ممکن می‌شود، نه تنها کسب رتبه در آزمون ورود به دانشگاه، به امکانات مالی افراد وابستگی تام و تمام یافته، بلکه دانشجویان پس از ورود به دانشگاه نیز، با مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌های کلان آموزشی مواجه می‌شوند که بیش از همه معیشت دانشجویان فرودست را نشانه گرفته است. دانشگاهی که در جهان پول و سرمایه، بستر تولید سود است، هم اینک دسترسی فرزندان کارگران را به دانشگاه‌های به اصطلاح برتر نیز بر نمی‌تابد.

سال‌هاست طرح‌ها و سیاست‌هایی که دولت حاکم، به عنوان دستگاه کارگذار سرمایه‌دارن کمر همت به اجرایشان بسته، روزبه‌روز معیشت ما دانشجویان فرودست را تهدید کرده است. پولی‌سازی آموزش، سنوات، واحدهای جبرانی، وضعیت بد غذا و خوابگاه، تبعیض جنسیتی، بومی‌گزینی، خصوصی‌سازی فضاهای دانشگاهی، همه و همه، اسامی آشنای ستمی هستند که گوش ما به شنیدنشان عادت کرده است. سیاست‌هایی که هرچه بیشتر دانشجویان فرودست را از ادامه تحصیل بازداشته و به‌عنوان نیروی کار ارزان روانه بازارهای کار کرده است. امروز شاهدیم که به میمنت دهه‌ها اجرای سیاست خصوصی‌سازی و تعدیل ساختاری، هزاران دانشجوی فرودست هم‌زمان با تحصیل، ناگزیر به کار در هتل‌ها، رستوران‌ها و کارگاه‌های سرمایه‌دارانی شده‌اند که از رعایت حقوق بدیهی کارگر-دانشجوهایشان نیز سرباز می‌زنند.

همپای این سیاست‌ها در دانشگاه، طبقه‌ی حاکم دیگر عرصه‌های اجتماعی را نیز دستخوش تغییراتی کرده که زیان‌اش به جیب طبقه‌ی کارگر و سودش به حساب سرمایه‌داران خواهد رفت. خصوصی‌سازی واحدهای صنعتی یکی از همین سیاست‌هاست که سال‌ها حاکمان و بلندگوهای تبلیغاتی‌شان آن را به دروغ مردمی‌سازی نامیده‌اند؛ و صد البته کیست که نداند مردم نه یک کلّ به هم پیوسته که متشکل از طبقاتی است که منافع متضادی دارند. نیشکر هفت‌تپه، فولاد ملی اهواز، معادن آق‌دره، زمستان‌پورت، ماشین‌سازی تبریز، هپکوی اراک، کارگران راه‌آهن و معلمان و پرستاران مشتهایی نمونه‌ی خروار از نتایج این سیاست‌ها هستند. مبارزات کارگران واحدهای صنعتی مذکور که ماه‌هاست ادامه دارد نشانگر هم‌اوردی فعالانه‌ی طبقه‌ی کارگر ایران با این سیاست‌هاست که ما هم طبقه‌های آنان در دانشگاه تمام‌قد در حمایت از این مبارزات خواهیم ایستاد. ما از مبارزات برحق کارگران هفت تپه، اعتصاب معلمان و

مطالبات برحق‌شان، اعتصاب کارگران راه‌آهن و مبارزه کارگران شرکت هیپکو برای پیگیری حقوق اولیه‌شان حمایت می‌کنیم و در کنار ایشان خواهیم ماند.

در کنار تمام این سیاست‌ها و موانع رنج و زخم‌های کهنه نیز به وساطت‌های جدید هر از چندگاهی سر باز می‌کند. منع تحصیل دانشجویان اقلیت مذهبی، تبعیض‌های جنسیتی در برابر دختران دانشجو، مرکزگرایی بیش از پیش که در قالب طرح‌های بومی‌گزینی اجرا می‌شوند، همه و همه نمونه‌هایی چند از این زخم‌های دوباره زنده شده است. به این‌ها بیفزایید: ممانعت از تحصیل مهاجران افغانستانی در مدارس ابتدایی یزد و کرمان و تهران، کارشکنی در ادامه تحصیل فرزندان این رنج‌کشیده‌ترین مردمان خاورمیانه در دانشگاه‌های ایران. صدها هزار تن از اهالی جنگ‌زده افغانستان، سال‌ها است که داغ بی‌شماره بهره‌کشی را بر تن دارند و با این همه فرزندان‌شان از تحصیل، این بدیهی‌ترین حق هر انسان، محروم‌اند. و باز، این همه زخم و رنج تنها رد شلاق سرمایه‌داران ایران بر تن کارگران است. کارگران ایران، نه تنها قربانی چندین دهه اجرای سیاست‌های نئولیبرالی دولت‌های وقت بوده‌اند، بلکه بار اصلی تهاجم سیاسی و اقتصادی دولت آمریکا را نیز به دوش می‌کشند. تحریم‌های امپریالیستی دولت آمریکا، که به چند برابر شدن قیمت تمام اقلام غذایی، آموزشی، بهداشتی و دارویی منجر شده، مستقیماً معیشت کارگران ایران را هدف گرفته است. پیکرها و جان‌های بیشمار کارگران است که این تحریم‌های ظالمانه را تاب می‌آورد. تحریم‌هایی که هم‌ارز جنگ‌افروزی وحشیانه دولت آمریکا در عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن است. تحریم‌هایی که تداوم همان منطقی است که نیم قرن پیش به کشتار دانشجویان دانشگاه تهران انجامید: منطق جنگ، کودتا و تحریم، منطق دولت امپریالیست آمریکا.

هم‌گام با این استثمار و تحریم، سرمایه‌داران و دولت نئولیبرال‌شان، حق هرگونه تشکل‌یابی را از فرودستان دریغ کرده‌اند تا به زعم خود، در استثمار و بهره‌کشی از کارگران و زحمت‌کشان مانعی در برابر خود نبینند. با این همه، این حق که سال‌هاست از ما دریغ شده، از جمله عواملی است که ما را در جدال با سرمایه‌داران تقویت می‌کند. کارگران و معلمان سال‌هاست که برای دستیابی به تشکل‌های جمعی‌شان جنگیده‌اند، زندان رفته‌اند و سرکوب شده‌اند. ما دانشجویان نیز در این سال‌ها با کارشکنی‌های بسیاری در مسیر تشکیل شوراهای صنفی، این ابتدایی‌ترین شکل دفاع جمعی از منافع‌مان، روبه‌رو بوده‌ایم.

شرط شرکت ۲۵ درصد از دانشجویان در انتخابات از جمله جدیدترین این کارشکنی‌هاست که تشکل شوراهای صنفی را با مشکل جدی روبه‌رو خواهد ساخت. پولی‌شدن آموزش و سیاست‌زدایی، به عنوان ابزار حمله‌ی طبقه‌ی حاکمه در سراسر جهان سرمایه‌داری، فرودستان را هرچه بیشتر از دانشگاه طرد کرده و ساختار طبقاتی دانشگاه را به عنوان نمادی ایدئولوژیک در جهان تحت تسلط منطق سرمایه به نفع طبقه‌ی مسلط عوض کرده است. حال این منطق با پنهان کردن تمام این فرایند حق تشکل‌یابی دانشجویان فرودست را از آن‌ها به بهانه‌ی یک کمیت دریغ می‌کند. ایستادگی در برابر این تفسیر که مانع جدید فعالیت و مبارزات دانشجویی از اولویت‌های تمام دانشجویان فرودست است.

در این میان، شاهد هستیم که شوراهای صنفی دانشجویان کشور، در بیانیه‌ای که به مناسبت روز دانشجو منتشر ساخته، راه چاره این همه درد و رنج را نه اتحاد و هبستگی کارگران و دانشجویان فرودست، که همبستگی تمام دانشجویان با اساتید اعلام کرده و خواهان تشکیل شورایی از استادان و دانشجویان، برای مدیریت دانشگاه شده است! در حالی که منافع دانشجویان، به‌ویژه دانشجویان فرودست و استادان آشکارا منافی است ناهمگون و متضاد و درحالی که متولیان امر در راه تشکیل شوراهای صنفی نیز سنگ اندازی می‌کنند، چنین مطالبه و خواستی، معنایی جز هدایت مبارزات برحق دانشجویان به شوره‌زار شکست ندارد. در حالی که اساتید دانشگاه، چه درون و چه بیرون از دانشگاه، در اتحادیه‌ها و هیئت‌مدیره‌های گوناگون، متشکل شده‌اند و بعضاً دستی بر آتش خصوصی‌سازی آموزش و تولید دارند، مطرح ساختن اداره دانشگاه در شورای متشکل از اساتید و دانشجویان، نه تنها هیچ فایده‌ای برای دانشجویان فرودست ندارد، بلکه تنها آب بر آسیاب متولیان سیاست نئولیبرالی می‌ریزد. چنین ایده‌ای، تنها به تضعیف دانشجویان فرودست و تقویت سیاست حمله به معیشت کارگران و فرودستان خواهد انجامید. ما برآنیم که تأکید بر تقویت صفوف دانشجویان در شوراهای صنفی، در وضعیت کنونی، مؤثرترین راه محافظت از معیشت و حقوق فرودستان و کارگران است.

دهه‌ها پیاده‌سازی سیاست‌های نئولیبرال در دولت‌های مختلف، هجمه به منافع کارگران و فرودستان، و تحریم‌های دولت آمریکا که بیش از همه فرودستان را نشانه گرفته است؛ ما را بر آن می‌دارد تا در کنار تمامی مردمانی که تحت این ستم قرار گرفته‌اند، در برابر این منطق بایستیم. همان هم‌زمان‌مان در سوریه، یمن، فلسطین و جای‌جای خاورمیانه. امروز رهایی دانشجویان و همه‌ی مردم فرودست ایران تنها به مبارزه پیگیر و متحد و در همبستگی مطلق کارگران، فرودستان و قربانیان جنگ و تحریم و بهره‌کشی نه فقط در ایران بلکه در سرتاسر خاورمیانه، علیه نظم سرمایه ممکن می‌شود.